

گسترش اسلام در آفریقا

اسلام در آفریقا می تواند مانند مسیحیت به عنوان دین «بومی»، «سنتی» و آفریقایی توصیف گردد. در طول یک قرن بعد از فوت پیامبر اکرم (ص) در ۶۳۲ میلادی اسلام کل شمال آفریقا را به تصرف در آورد، شاخ آفریقا را محاصره کرد و از جنوب در امتداد ساحل شرقی گسترش یافت. در جاهایی که اسلام با مسیحیت روبرو شد جنگی طولانی رخ داد تا سرانجام سلطه خود را به طور کامل در هر کجا به غیر از اتیوپی تثبیت کرد، اگر چه در اواخر قرن سیزده و اوایل چهارده مسیحیان قدرت موثر خود را در مصر از دست دادند. اما حتی در اتیوپی، گروههای کوچکی از جوامع مسلمان در سرزمین های پست باقی ماندند. از طریق راههای تجاری و دادوستدهای بازرگانی میان دولت های غربی و شمال مسلمان، اسلام از ابتدای قرن نوزده نفوذ خود را در جهت جنوب در جوامع آفریقایی غرب، بخصوص جوامع واقع در حاشیه صحرا گسترش داد. در ناحیه سودان، اسلام از طریق بازرگانان عرب و فاتحاتی که سرانجام پایتخت مسیحی نوبیا در خارطوم را تسخیر کردند مالا از مشرق بسوی غرب گسترش یافت و راه را برای جانشینی اسلام به جای مسیحیت باز کردند. اسلام در قرن هفتم به ساحل شرقی آفریقا راه یافت. جایی که قبلا سکونت گاه های قدیمی اعراب و تجارتی پر رونق وجود داشت. اما جدا از کشوری که اکنون جمهوری سومالی نامیده می شود، نفوذ به نواحی ساحلی محدود بود و فقط در اواخر قرن هیجده و نوزده زمانی که تجارت عاج و برده توسط اعراب به داخل آفریقا کشیده شد حرکت آن به درون آفریقا آغاز شد. اسلام در جزیره های ساحلی ریشه های عمیقی دارد، بخصوص در زنگبار و شهرها و جزیره های دیگر. پرتغالی ها که در پایان قرن پانزده به این مناطق رسیدند در چندین مورد در قرنهای شانزده و هفده با عرب ها درگیر شدند. در عین حال به نظر می آید که مردم آفریقا زندگی را مشکل برای خود کرده اند، با این نتیجه که بسیاری از این مراکز ساحلی فرهنگ اسلامی به مناطق ویران تبدیل شدند. زمانی که تاجران عرب و سواحلی به وضع خود بهبود بخشیدند و در قرن نوزده شروع به پیشروی در داخل آفریقا نمودند، به کشورهای کنونی اوگاندا، مالاوی، زامبیا و کنگو رسیدند، اروپا نیز نفوذ خود را در قاره آفریقا آغاز کرد. رقابت تازه سیاسی، اقتصادی و مذهبی از سرعت و گسترش نفوذ اسلام قبل از آن که بسیاری از اقوام آفریقا در داخل بتوانند به آن دین بگروند، جلوگیری کرد. اکنون وضع بدین گونه است که در آفریقا تقریبا در مناطق شمال همین مدار عرضی عمدتا مسلمان است. این مناطق از سمت شرق از سنگال به طرف بالا اما به استثنای قسمت اعظم اتیوپی کل سومالی، و ساحل شرقی تا جنوب بطرف لامو در کنیا با گروههای نسبتا کوچک و قابل ملاحظه از مسلمانان در نواحی حاشیه ای، اوگاندا و تانزانیا امتداد می یابد. بیشتر از چهل درصد جمعیت سنگال، موریتانی، گامبیا، نیجر، چاد، نیجر شمالی و سودان مسلمان است، و در دولتهای مسلمان نشین آفریقا به بیشتر از نود درصد می رسد. کل جمعیت مسلمانان در ۱۹۸۴، ۲۱۱ میلیون نفر تخمین زده شد (چهل و یک درصد کل جمعیت آفریقا)، در مقایسه با رقم تقریبی ۲۳۴

میلیون مسیحی (۴۵ درصد). تا حدود سال ۱۹۷۲ تعداد مسلمانان در آفریقا بیشتر از مسیحیان بود. از آن زمان شمار مسیحیان به سبب توسعه انفجار آمیز مسیحیت در قرن نوزده بطور فزاینده ای افزایش یافت.

فرق و گروههای مسلمانان در آفریقا

مسلمانان فرق و گروههای خود را دارند، اگر چه تعداد آنها به آن اندازه نیست که مسیحیان به خاطر آن به خود می بالند. بیشتر این گروهها از بیرون آفریقا ریشه گرفتند، اما خیلی زود به اینجا وارد شدند، همچنین فرقه ها و گروههای مسلمان محلی وجود دارند که از اینجا سرچشمه گرفتند و نگرشی «آفریقایی» دارند. مذهب شیعه یکی از دو مذهب اصلی در جهان اسلام نیز وجود دارد که در آفریقا عمدتاً میان مسلمانان مهاجر هند و پاکستانی پیروانی دارد. آنان بطور عمده در ناحیه ساحل شرقی یافت می شوند. سنی فرقه دیگر است که عمده ترین گروه تقریباً همه مسلمانان بومی آفریقایی به شمار می رود. اسماعیلیان شاخه آزادمنش فرقه شیعه را تشکیل می دهند. آنان اساساً از مناطق دیگر به آفریقا مهاجرت کرده اند و اعقاب آنها هندی و پاکستانی هستند و تعداد کمی از نوکیشان آفریقایی در بین آنان وجود دارد. اگر چه تعداد پیروان این فرقه اندک است، تحت رهبری دنیوی و معنوی پیشوای آن «آقاخان» از لحاظ مالی ثروتمند، در خدمات اجتماعی، مخصوصاً تعلیم و تربیت و پزشکی بسیار فعال و از لحاظ سیاسی در کشورهایی که جوامع آن در آنها زندگی می کند دخالت دارند با وجود این اعضای آفریقایی و هندی این فرقه تماس جدی و زیادی با سایر مسلمانان ندارند، اگر چه مدارس آنان بدون توجه به نژاد و مذهب به روی همه باز است. نهضت ها و فرقه های اسلامی دیگری نیز وجود دارند.

اسلام و ارتباط آن با ادیان سنتی آفریقا

اسلام نفوذ خود را در میان اقوام آفریقایی تثبیت کرده است. اسلام در قرن یازده به ناحیه ولوف از سنه گامبیا وارد شد. پسران ولوف از سن هفت سالگی تحت تعالیم اسلامی قرار می گیرند که در آن نماز، زبان عربی و حفظ آیات قرآن را می آموزند. اما این مسلمانان هنوز بسیاری از عقاید و اعمال را که زمینه سنتی آفریقایی دارند حفظ می کنند. برای نمونه آنان می ترسند که تحسین بچه ممکن است سبب صدمه یا زیان به او شود، و پس از نام گذاری در طی مراسم آیینی کودک از دید عموم پنهان نگه داشته می شود تا از چشم زخم در امان باشد. پیشگویی ترکیبی از روشهای سنتی و استفاده از تقویم نجومی اسلامی است. مردم از جادوگری بسیار هراس دارند. باور آنها به وجود و عمل ارواح و مردگان زنده قوی است و از اسلام اعتقاد به ابلیس یا شیطان را که مردم را دیوانه می کند و ممکن است کودکی را بدزد و نوزاد غیر طبیعی و تغییر

شکل داده جای آن بگذارد، گرفته اند. ارواح به دو گروه خیر و شر و بدسگال تقسیم می شوند تقسیمی که آشکارا بر گرفته از تعلیم اسلامی است. در بعضی مناطق، در حالی که مردان مسلمان اند، زنان اعتقاد به آیین ابتدایی تر تسخیر روح را حفظ کرده اند. مردم ولوف هنوز شعایر سنتی را رعایت می کنند اگر چه گاهی آنها را با عقاید اسلامی می آمیزند. بطور مثال، هنگام خشکسالی، مردان در مسجد برای نزول باران نماز می خوانند، اما اگر نیاید زنانشان رقص باران اجرا می کنند، لباس ژنده یا پیراهن مردان را بر تن می کنند و زیورهای کم ارزش بر خود می آویزند. سپس دسته جمعی به بیرون روستا می روند، بچه ها شاخه های درختان یا بوته ها را جمع می کنند و در بازگشت با شاخه های درختان به قبر بنیانگذار دهکده می زنند. ازدواج آمیزه ای از رسوم اسلامی و سنتی است، اما مراسم تدفین بیشتر اسلامی است.

موقعیت اسلام در میان قوم ولوف

موقعیت کلی اسلام در میان قوم ولوف توسط کمبل چنین خلاصه می شود: علی رغم تاثیر اسلام هنوز لایه عمیق تری از عقاید و عبادت شرک در میان مردم ولوف وجود دارد. مردان و زنان برای محافظت از انواع شرور ممکن و هم برای کمک به آنها در دست یافتن به خواسته هایی بخصوص تعویذ و طلسم به کمر، گردن، بازوها، و پاهای خود می بندند. اغلب این طلسمات شامل کاغذی هستند که معلمی مذهبی عبارتی از قرآن را روی آن نوشته و یا طرح و نموداری از یک کتاب عرفانی اسلامی است که درون کاغذ پیچیده به هم چسبانده شده و با چرم پوشیده می شود، اما گاهی در جوف آن تکه ای استخوان یا چوب، پودر، یا چنگال حیوان گذاشته می شود. اینها به طور بارز ویژگی های اقوام آفریقایی هستند که ما در بسیاری جوامع سنتی با آن مواجه می شویم تا شعایر اسلامی.

اسلام در میان قوم نوپ

گرویدن به اسلام در میان قوم نوپ نیز وجود دارد. آنها به طور کامل با شعائر مسلمانان آشنا نیستند. زنان مسلمان هرگز حجاب نمی گزارند و در حالی که اجازه ندارند به مسجد وارد شوند، دختران طبقات بالاتر قرآن را فرا می گیرند. آموزگاران مسلمان و رهبران مذهبی، که تعداد آنها زیاد است، غیر از خواندن چند سوره از قرآن کریم، یا بی سوادند و یا سواد اندکی دارند. قوانین ازدواج، مخصوصا در رابطه با هدایای ازدواج و طلاق سهل، ختنه، غیبه گویی، شعایر خویشاوندی و ممنوعیت خوردن گوشت خوک نقاط مشترک بین آنها و از این رو عامل ارتباط مستقیم میان مردم نوپ و سنت های اسلامی است و در اینجا اسلام با طرز تفکر و اعمال سنتی نوپ کاملاً جور در می آید. در حالی که در بعضی از کشورها ازدواج با خواهر کوچکتر زن

متوفی در میان مسلمانان رسم است، اما این رسم در میان مردم نوپ که به شدت به سنت ازدواج با زن برادر متوفی خود وفادارند کاملاً منع می شود. در مسایل ارث اختلافات کامل وجود دارد به گونه ای که رسوم مردم نوپ کاملاً مغایر با قوانین اسلامی است. این امر از تکه تکه شدن زمین که در صورت پیروی از قانون اسلامی اتفاق می افتاد جلوگیری کرده است. نادل می گوید از زمانی که اسلام به عنوان دین فاتحان و طبقه حاکم به نوپ آمد، آنچه که در وهله اول و بیش از همه اهمیت دارد جذب در فرهنگ طبقه بالاست، و در وهله دوم رهایی از کفر و بی اعتقادی مهم است. این به جای تغییر مذهبی، تغییر اجتماعی است، که نقطه اتکایی را برای غرور و برتری ایجاد می کند؛ اما بر سطوح عمیق آنچه که در زندگی بسیار اهمیت دارد بی تاثیر است. عرفان و مناسک جذبه آمیز اسلام به طور آشکار ناشناخته اند.

وضع اسلام در سودان، اتیوپی و سومالی

ترمیم‌نگهام در تحقیق اش درباره اسلام در سودان به این نتیجه می رسد که در «جنوب ده درجه آفریقاییان تقریباً بطور کامل از نفوذ اسلام دور بوده اند. در اینجا ترمیم‌نگهام دو جریان فرهنگی اسلامی را می بیند: جریان فرهنگی بادیه نشینان و فرهنگ ساکنین شهر روستا. در مورد نوع اول می نویسد که: عملاً هیچ نفوذ اسلامی بر مشرکین به چشم نمی خورد. جایی که اسلام خود را با آن فرهنگ وفق داده است، این فرآیند سه مرحله را طی می کند. در مرحله اول، مردم فقط «عناصر خاصی از فرهنگ مادی مسلمانان را بطور سطحی قبول می کنند.» مانند پوشیدن لباس، زیورآلات و عادات غذایی در مرحله دوم، عناصر واقعاً مذهبی فرهنگ اسلامی پذیرفته می شوند، به خصوص شناخت یا آگاهی از قدرت نامتشخص مقیم و موثر از طریق اشخاص یا چیزها. این شناخت، در جوامع سنتی آفریقا یافت می شود. در این صورت این درک و شناخت به ویژه اسلامی نیست؛ بلکه نقطه تماس را تشکیل می دهد. مرحله سوم «با اعتقاد واقعی در سودمندی محرمات اسلامی مشخص می شود و شامل تغییر واقعی درآداب و رسوم و رفتار معمول است. این نقطه ای است که پیروان مکانهایی را برای عبادت همگانی استفاده قرار می دهند، نمازهای آیینی خود را می خوانند، در ماه رمضان روزه می گیرند و محرمات اسلامی را رعایت می کنند. با وجود این همانطور که ترمیم‌نگهام در ادامه اظهار می کند، حتی در این مرحله، باورها و عقاید کهن ارزش خود را برای زندگی مسلمانان آفریقا از دست نمی دهند؛ برعکس، برخی عقاید با کسب جهت یابی اسلامی حیات تازه ای بدست می آورند. او مثالهایی از احترام مداوم به مردگان زنده، اعتقاد به ارواح در رابطه با اشیای طبیعی، استفاده از طلسمات و ترس از جادوگری می آورد، که همه حیات تازه ای را بدست می آورند. در اینجا شریعت اسلامی با قانون مرسوم سنتی برخورد می کند. اسلام نفوذ خود را به مناطق واقع در ساحل شرقی گسترش داد، و از آن زمان موقعیت خود را تحکیم بخشیده است. در میان آفریقاییان علاوه بر مهاجران در هم آمیخته محلی مانند عرب

ها و شیرازی های این ناحیه، تقریباً همه مردم سواحیلی به اسلام گرویده اند. در میان جوامع سنتی، کیش پرستش مردگان زنده در تفکر اسلامی جای گرفته است. اما باید ملاحظه کرد که بعضی از مردگان شامل اولیا، مسلمان اند، که مردم به زیارت قبور آنان می روند و بعضی مساجدی را به یاد بود آنان بنا کرده اند. افرادی که کمتر مذهبی هستند نیز تکریم می شوند، اگر چه به شیوه ای که بیشتر یادآور پرستش اجداد است. این ملاحظات اخیر به روشنی به آمیختگی عقاید اسلامی با ادیان سنتی اشاره می کند.

تأثیر محدود اسلام بر سرزمینهای درونی شرق آفریقا

به نظر می رسد انگار اسلام بر سرزمینهای درونی شرق آفریقا تأثیر زیادی نداشته و اگر داشته ریشه ای نبوده است. بطور مثال، گزارش می شود که اسلام و فرهنگ آن با مذاهب و ساختار اجتماعی ناسازگار است. در میان اقوام باگاندا و باسوگا اسلام هنوز در اقلیت است، اگر چه اسلام قبل از میانه قرن نوزده به اوگاندا راه یافت. با وجود این در سالهای اخیر این مسلمانان به گونه ای فزاینده بر حق موجودیت خود به عنوان جامعه ای مذهبی تأکید کرده اند، آنان از موقعیتهای شغلی مانند قصاب و راننده تاکسی برخوردارند و هر ساله هر چه بیشتر برای حج به مکه می روند. جوامع آفریقایی مسلمان در شرق آفریقا عمدتاً در شهرها و کمتر در مناطق روستایی اطراف یافت می شوند. نهضت احمدیه که فعالیتهای تبلیغی خود را در مومباسا در ۱۹۳۴ شروع کرد، به درون آفریقا تا کامپالا در اوگاندا با مراکزی در نایروبی، کنیا (گرچه در آغاز تابورا، واقع در تانزانیا) گسترش یافته است. این نهضت بخصوص از طریق مدارس، ترجمه قرآن به سواحلی، لوگاندا، کیکامبا، گیکویو، روزنامه محلی (به زبان انگلیسی، سواحلی و لوگاندا) جزوه ها، فعالیت های تبلیغی و حمله به مسیحیت و دیگر فرقه های اسلامی پیروانی در آفریقا یافته است. این نمونه های رویارویی اسلام و جوامع آفریقایی سنتی نشانه روشنی از چگونگی موقعیت این دین بدست می دهد.

کشورهای آفریقایی و اسلام

همچون دیگر مناطق آفریقا اسلام از طریق ساوانا و توسط تاجران ساراکوله یا سونینکه و شبانان پل وارد گینه شد. بنابر روایت اسلام در قرن دوازدهم توسط یک سونینکه به نام مودی وارد مناطق گینه شد. شهر نیانی مرکز امپراطوری مالی در ترویج و انتشار مذهب اسلام در منطقه گینه علیا سهم داشته است اجمالاً باید گفت انتشار اسلام در گینه یا به واسطه تاجرانی بود که تشکیل خانواده های بزرگی را داده بودند که شاخه های آنها در تمام سرزمین پراکنده شده بودند و یا از قرن هفدهم به واسطه جنگجویان و فاتحانی بود

که در نظر آنها مذهب وسیله ای برای تضمین وفاداری رعایا و سلطه بر شکست خوردگان محسوب می شد. موج های مختلف اسلام گرایی اکنون در سه سنت اسلامی مجرا دیده می شوند.

(۱) اسلام سبک دیالونکه: در بخش شرقی گینه رایج است. مرکز مسلمانان دیالونکه توباکایه است این شهر از تیول طریقه قادریه بکائیه به شمار می رفت و افرادی که اسلام را به ساحل ترویج دادند در این شهر تربیت شده بودند.

(۲) اسلام سبک فولبه: که پیروزی خود را مدیون طریقه تیجانیه می داند که طریقه غالب به شمار می آید. کولاما بونده در منطقه لابه ضمن آنکه محل زیارتی محسوب می شود مرکزی نیز برای مطالعات قرآنی است. که محصلانی حتی از سیرالئون در آن تحصیل می کنند. دست کم هنوز نفوذ مارابوها قوی است ولی نیروهای مذهبی در میان جوانان پل ساکن در فوتا نسبتاً قوی هستند.

(۳) اسلام سبک مالینک: در منطقه جنوب شرقی گینه تا ساحل عاج رواج دارد در میان مالینکه فقط ۷۷٪ مسلمان وجود دارد. مرکز مسلمانان مالینکه کان کالاست که مرکز مذهبی عمده گینه علیا محسوب می شود و محل سکونت رهبر مذهبی بسیار مشهور در تمام کشور یعنی شیخ فوتا مهدی شریف (متوفی ۱۹۵۵) می باشد. زاویه شیخ سید یکی فرزند شیخ فوتا طلبه های زیادی را در خود پرورش می دهد.

طریقه ها

نوعی موج مبارزه علیه طبقه مارابوها در گینه دیده می شود. سیاستمداران گینه علاقه ای به مذهب از خود نشان نمی دهند مگر اینکه مذهب در راستای انقلاب باشد. اسلام در گینه می تواند دوباره نفوذ خود را بر توده ها که از نظر فکری سنتی هنوز به صورت وسیعی بی سوادند اعمال کند. اگر آینده از آن جوانان است می بایستی مفهوم واقعی و راستین اسلام برای نسلهای جوان که مشتاق تحول و علاقه مند به نوگرایی هستند تبیین شود

«سیرالئون»

کشور جمهوری سیرالئون با ۴/۵ میلیون جمعیت که نزدیک نیمی از آن مسلمان هستند. پایتخت ایت کشور فری تاون می باشد و سیرالئون در سال ۱۹۶۱ از استعمار انگلیس استقلال پیدا کرده است.

اسلام گرایی

از سال ۱۷۲۵ نخستین پیشرویه‌های اقوام به اسلام گردیده شروع شد. مسلمانان جنگاور تاجران سوسو فولاً و مالی‌نکه که در پی ایجاد کانونهای اسلامی در بین شرکان بودند. کم کم بندر لوت‌ه تبدیل به مرکزی اسلامی شد. دامنه گسترش مسلمانان در این ناحیه بدان حد بود که برای اروپائیها واژه ماندنیگو مترادف کلمه مسلمانها شد. در این کشور در حال حاضر انجمنهای اسلامی مختلفی وجود دارد از جمله: کنگره مسلمانان که با هدف ایجاد تفاهم و همکاری بین جوامع مسلمان و حمایت از اعتقادات اسلامی. مساعدت در راه برقراری فقه قرآنی و ایجاد مدارس دینی است که این انجمن بطور فعالی از سوی جامعه لبنانیهای شیعی مذهب فری تاون حمایت می شود.

- انجمن مسلمانان نیز با هدف برقراری سازش بین مذهب اسلام و فرهنگ غربی تأسیس یافت.
- انجمن اصلاح مسلمانان نیز با هدف زدودن هر گونه اعمال غیر بنیادی از چهره اسلام تشکیل شد که علی الظاهر فعالیتی ندارد.
- انجمن اخوان المسلمین در فری تاون نیز فعالیت هائی در این شهر انجام داده که اطلاع دقیقی از آن در دست نیست.

«غنا»

کشور جمهوری غنا دارای جمعیت ۱۵/۵ میلیون نفر است که حدود ۲۵٪ آن مسلمان هستند. این کشور در سال ۱۹۵۷ از انگلستان مستقل گردیده و اولین کشور آفریقائی است که استقلال خود را بدست آورد

اسلام گرائی

دو مرحله در اسلام گرائی از یکدیگر قابل تشخیص اند: مرحله انتشار اسلام در مراکز تجاری که برای تجارت کلاوکولا تأسیس شده بود. و مرحله گسترش اسلام در میان قلمروهای کوچک.

مرحله اول: تاجران امپراطوری مالی خیلی زود متوجه نواحی زر خیز جنوب شدند. تاریخ ورود تاجران دیولا به این سرزمین بین قرون دهم تا شانزدهم بود است.

مرحله دوم: از قرن شانزدهم به بعد و بخصوص در قرن هجده قلمروهای زیادی در اطراف سلاطین مسلمان ایجاد شدند. به گونه ای که تحول مزبور از مرزهای فعلی فراتر رفت و سرزمینهای همجوار را نیز را گرفت.

«توگو»

جمعیت توگو ۳/۶ میلیون نفر می باشد و درصد مسلمانان آن ۲۵٪ برآورده شده است.

اهالی ساکن در شمال کشور توگو که با پادشاهیهای به اسلام گرویده داگوومباومام پرولی (در غنا) همجوار بودند و ناگزیر تحت نفوذ اسلام قرار گرفتند و از طریقه تاجران هوسا و تا حدی اقوام پلی کر شبانان قبایل یکجانشین بودند. شیوه زندگی اسلامی به طور نامحسوسی به این منطقه وارد شد که اولین قبایل که اسلام آوردند کوتوکولیهها بودند که در حال حاضر پرجمعیتترین و منسجم ترین و اسلامی ترین اقوام شمالی توگو محسوب می شوند. از اواسط قرن هجدهم بود که نفوذ مسلمانان سودانی در میان اقوام توگونمایان شد

طریق ها

طریقه تیجانیه با آنکه مدت زیادی نیست وارد این کشور شده ولی گسترده ترین طریقه توگو به شمار می رود و طریقه قادریه بیشتر در بین گروههای مسلمان قدیمتر رواج دارد. طریقه ابراهیم نیاس نیز در سوگواه طرفدارانی دارد

«بنین»

کشور جمهوری بنین با جمعیت ۵ میلیون نفر و میزان ۲۰٪ مسلمان از مستعمرات سابق فرانسه بشمار می رود.

اسلام گرایی

در مرحله شمالی بنین که تحت نفوذ سودانیها یا هوساها به اسلام گردیده اند تحت تأثیر فرقه قادریه قرار گرفته اند. برخی از اقوام بومی این سرزمین در برابر اسلام مطلقاً غیر قابل نفوذ باقی ماندند. در کوههای آتاکورا جزء فاراجبانی که از نیجر، نیجریه و غنا آمده اند و مسلمانند مسلماً دیگری وجود ندارد. در منطقه جنوب بنین اسلام اساساً شهری است. پیروان مذهب تیجانیه در کوتونو و پورتونوو و اطراف آن زندگی میکنند. شهر پورتونوو محل برخورد مسلمانان آفریقائی و مسلمانان مهاجری بود که از آمریکای جنوبی آمده بودند. اسلام خیلی زود به این شهر وارد شد و حضور تاجران مسلمان در این شهر در اواخر قرن ۱۷ ذکر کرده اند.

نتیجه

امروز فرصتهای ارزنده و جالبی برای پیشرفت اسلام در آفریقا وجود دارد.

با وجود فعالیتهای سیاسی و تبشیری مخالفان اسلام در سرزمین آفریقا، تعداد ویژه ای برای نشر و پذیرش اسلام دارند. و اگر مبلغان اسلامی بخواهند افق وسیعی برای کوششهای آنان وجود دارد. و انسان هر روز بیشتر از پیش معنقد می شود که اگر دستگاه تبلیغاتی اسلام به طور جدی و سریع بکار افتد توده های وسیع آفریقائی با کمال مسرت پیام حق را خواهند پذیرفت و سرمایه عظیم برای اسلام و ملل اسلامی خواهند بود.

- ۱- گسترش اسلام در غرب آفریقا - مروین هیسکت - ترجمه احمد نمائی- محمد تقی اکبری
- ۲- مسلمانان آفریقا- ژوزف ام کوک- ترجمه دکتر اسد الله علوی
- ۳- تاریخ آفریقا- بزیل دیو یدسن- ترجمه هرمز ریاحی - فرشته مولوی
- ۴- مسائل ژئو پلینگ اسلام، دریا، آفریقا- ایولاکست - ترجمه دکتر عباس آگاهی
- ۵- نگاهی نو به کشورهای جهان - سازمان گیتاشناسی
- ۶- نشریه مطالعات آفریقا- دوره جدید- شماره اول - وزارت امور خارجه
- ۷- نبرد اسلام در آفریقا - سید هادی خسرو شاهی